

با نمایندگان مردم در مجلس نهم
۹. جایگاه قوه قضائیه در نظام حقوق
اساسی جمهوری اسلامی ایران

کد موضوعی: ۲۴۰

شماره مسلسل: ۱۲۰۹۵

بهمن‌ماه ۱۳۹۰

دفتر: مطالعات حقوقی

به نام خدا

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
چکیده.....	۳
مقدمه.....	۳
۱. ضرورت وجود نهاد قضاوت و سیستم قضایی.....	۴
۲. جایگاه قوه قضائیه در ساختار نظام جمهوری اسلامی.....	۶
۳. وظایف قوه قضائیه.....	۷
۴. ساختار.....	۹
۵. اصول حاکم بر عملکرد قوه قضائیه.....	۳۱
۶. ارتباط با سایر قوا.....	۳۷
نتیجه‌گیری.....	۴۴
منابع و مأخذ.....	۴۶



با نمایندگان مردم در مجلس نهم ۹. جایگاه قوه قضائیه در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران

پیشگفتار

جایگاه مجلس شورای اسلامی در مقام «خانه ملت» که «عصاره فضایل مردم» است و در جایگاه مرجع انحصاری قانونگذاری در کشور که صلاحیت نظارت بر امور کشور را هم دارد به قدری والا است که معمار کبیر انقلاب اسلامی خمینی روح‌الله این جایگاه را در رأس امور دانست.

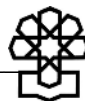
وظیفه نمایندگی و وظیفه الهی در مقام نمایندگی مردم در نظام اسلامی است و نمایندگان محترم مجلس ضروری است که با علم و عمل به این تکلیف عمل نموده و پاسدار حقوق مردم شریف بوده و در تحقق اهداف انقلاب اسلامی تلاش نمایند.

مهمترین وظیفه مجلس شورای اسلامی و نمایندگان محترم مجلس، قانونگذاری و نظارت بر حسن اجرای قوانین مصوب است. بدیهی است برای کارآمدی و اثربخشی هرچه بیشتر فعالیت‌هایی که در بازه زمانی چهارساله دوره نهم مجلس در این دو عرصه انجام می‌گیرد لازم است تا نمایندگان محترم توجه خود را معطوف به

موضوعات و مسائلی نمایند که تأثیر قانونگذاری آنها در نظام اجرایی کشور بادوام و فراگیر بوده و تضمین‌کننده توأمان توسعه و عدالت باشد.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در راستای ارائه خدمت به نمایندگان محترم مبادرت به تهیه یک بسته اطلاع‌رسانی در موضوعات مختلف نموده است تا اطلاعات لازم و مورد نیاز اولیه را جهت نمایندگان برگزیده مردم در دوره نهم مجلس تأمین نماید و چنانچه نمایندگان برگزیده در موضوعاتی اطلاعات کمتری را داشته باشند با استفاده از این مجموعه امکان افزایش سطح دانش آنان در این موارد فراهم شود. موضوعاتی که در این سلسله گزارشات انتخاب شده‌اند در موضوعات مختلف حقوقی، سیاسی، اقتصادی، برنامه و بودجه، اجتماعی، زیربنایی، انرژی و صنعت و معدن با همین رویکرد برگزیده و اولویت‌گذاری شده‌اند.

امید است آنچه انتشار یافته و در اختیار قرار گرفته قابل استفاده و مفید باشد و اطلاعات اولیه لازم مورد نیاز را برای نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی فراهم نماید. همچنین امید است دوره نهم مجلس شورای اسلامی با همکاری تمام نهادهای مؤثر در سیاستگذاری و همت نمایندگان شاهد دوره‌ای پربار و کارآمد از نظام قانونگذاری باشیم که مرضی حضرت حق جل و علا و حضرت بقیة‌الله قرار گیرد.



چکیده

اهمیت و جایگاه قوه قضائیه در نظام جمهوری اسلامی ایران بر کسی پوشیده نیست. این قوه همانند سایر قوا زیر نظر ولی فقیه و توسط شخصی که منصوب ایشان است، اداره می‌شود و تمامی قضات نیز توسط رئیس قوه منصوب می‌شوند. وظایف این قوه که در قانون اساسی به آن پرداخته شده، با محوریت اجرای عدالت، رسیدگی به تظلمات و شکایات و حل و فصل اختلاف میان اشخاص است. این قوه که از جهات مختلف با سایر قوا مرتبط است، دارای ارکان و تشکیلاتی می‌باشد که مختصات آن در قانون اساسی و قوانین عادی تعیین شده است. اصول مختلفی نیز بر عملکرد این قوه حکم فرماست که قانون اساسی به آنها اشاره کرده است.

مقدمه

قضاوت و داوری یکی از مسائل و موضوعاتی است که در هر جامعه‌ای به ناچار وجود دارد. چراکه اختلافاتی میان افراد روی می‌دهد که لازم است مرجعی مشخص، آن را حل و فصل کند. علاوه بر این، برخی از افراد نظم جامعه را مختل کرده و مرتکب اعمالی می‌شوند که قبح آن آشکار است و زیان آن به سایر افراد و یا تمامیت جامعه وارد می‌شود. به نظر می‌رسد که لازم است در جوامع پیچیده‌ای همچون جامعه امروزی، نهادی خاص برای رسیدگی به امور قضایی طراحی شود تا بتواند به صورت منسجم و نظام‌مند به این مهم بپردازد. حال در این خصوص سؤالاتی به ذهن می‌رسد که لازم است به آنها پاسخ داده شود:

۱. چه کسی صلاحیت در دست داشتن نهاد قضاوت را داراست؟
 ۲. رابطه این نهاد با سایر ارکان حکومت چگونه باید باشد؟
 ۳. عمده وظایف چنین نهادی چیست؟
 ۴. چه افرادی می‌توانند در میان مردم قضاوت کنند؟
 ۵. چه زیرمجموعه‌ها و ساختاری برای این نهاد جهت وصول به اهداف آن ضروری است؟
 ۶. چه اصولی بر عملکرد این نهاد حاکم است؟
- هر نظامی با توجه به مبانی مورد قبول خود، به پرسش‌های فوق پاسخ می‌دهد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز که برآمده از انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) و ثمره خون شهدای این سرزمین بوده، درصدد تبلور تفکرات اسلامی برآمده و به پرسش‌های مطرح شده در این زمینه پاسخ داده است.
- در این نوشتار برآنیم که به تشریح مسائل مذکور از دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بپردازیم.

۱. ضرورت وجود نهاد قضاوت و سیستم قضایی

در مقدمه قانون اساسی، کلیاتی درخصوص چگونگی شکل‌گیری انقلاب اسلامی و آرمان‌های مد نظر مردم در انقلاب و نیز نگاه اسلام به حکومت و برنامه‌هایی که در این مکتب الهی جهت اداره جامعه وجود دارد، بیان شده است. مسائلی که در مقدمه قانون اساسی به آنها اشاره شده، می‌تواند به فهم متن قانون اساسی نیز کمک کند.



یکی از عناوینی که در مقدمه قانون اساسی آمده و در ذیل آن مطالبی بیان شده، «قضا در قانون اساسی» است. در ذیل عنوان مذکور چنین آمده است:

«مسئله قضا در رابطه با پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی، به منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی امری است حیاتی، از این رو ایجاد سیستم قضایی بر پایه عدل اسلامی و متشکل از قضات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی پیش‌بینی شده است، این نظام به دلیل حساسیت بنیادی و دقت در مکتبی بودن آن لازم است به دور از هر نوع رابطه و مناسبات ناسالم باشد (و لذا حکمت بین الناس أن تحکمو بالعدل)^۱».^۲

بر این اساس، قانون اساسی قضاوت را برای پیشبرد جامعه در مسیر حرکت اسلامی و حفظ حقوق مردم و جلوگیری از انحرافات در جامعه اسلامی «حیاتی» و ضروری دانسته و سایر احکام درخصوص این نهاد مهم را بر همین مبنا ارائه کرده است: صفات خاصی که برای قضات مد نظر می‌باشد و نیز راهکارهای جلوگیری از آلوده شدن این نهاد مقدس به زشتی‌ها و کژی‌ها از مهمترین نکاتی است که عدم رعایت آنها، جامعه اسلامی را از وصول به اهداف بازمی‌دارد. لذا وصول به اهداف مقرر برای جامعه اسلامی و ضرورت جلوگیری از انحرافات و کژی‌ها در این راه، به عنوان توجیه‌کننده ضرورت وجود سیستم قضایی بیان شده است.

۱. سوره نساء، آیه ۵۸.

۲. مقدمه قانون اساسی.

۲. جایگاه قوه قضائیه در ساختار نظام جمهوری اسلامی

اصولاً قاضی و نظام قضایی باید دارای قدرت فائقه‌ای باشد که بتواند در مقابل مجرمین بایستد و حق مظلومان را از ظالمان بستاند. لذا قاعداً همان شخصی که حق حکومت دارد، حق قضاوت نیز خواهد داشت. براساس مبانی اسلامی، کسی بر دیگری حق حکومت ندارد مگر خداوند متعال که خالق و مالک تمامی جهان و جهانیان است. لذا حکومت اصالتاً از آن خداوند است و سایرین در صورتی حق حکومت دارند که از جانب خداوند متعال این حق را داشته باشند. ازاین‌رو با توجه به ادله حکومت در اسلام، حکومت در زمان حضور پیامبر و امام، توسط ایشان اعمال می‌شود و در زمان غیبت، توسط فقیه جامع‌الشرایط شکل می‌گیرد. این امر در اصل پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. براساس این اصل:

«در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عجل‌الله تعالی فرجه) در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت برعهده فقیه عادل و باتقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم قانون اساسی عهده‌دار آن می‌گردد».

براین اساس، مشروعیت تمامی ارکان حکومت از مجرای ولی فقیه تأمین می‌شود و لذا هر یک از قوا به نحوی به ولی فقیه منتسب می‌شود: حکم رئیس‌جمهور توسط رهبر تنفیذ می‌شود،^۱ شورای نگهبان بر مصوبات مجلس نظارت می‌کند^۲ و نصب و عزل رئیس قوه قضائیه توسط رهبر انجام می‌گیرد.^۳

۱. بند «۱۰» اصل یکصد و دهم قانون اساسی.

۲. اصول مختلف قانون اساسی از جمله اصول هفتاد و یکم و هفتاد و دوم قانون اساسی.

۳. اصل یکصد و پنجاه و هشتم و بند «۶» اصل یکصد و دهم قانون اساسی.



بر اساس اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی:

«قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند، این قوا مستقل از یکدیگرند».

پس اولاً قوه قضائیه یکی از قوای حاکم در جمهوری اسلامی تلقی می‌شود و ثانیاً رئیس آن توسط ولی فقیه انتخاب می‌شود و ثالثاً اعمال آن همانند دو قوه مقننه و مجریه، زیر نظر ولی فقیه صورت می‌گیرد و رابعاً استقلال این قوه از سایر قوا باید حفظ شود.

اینکه مشروعیت قوه قضائیه از مجرای ولی فقیه تأمین می‌شود، در نصب قضات و سایر امور قوه قضائیه نیز تأثیرگذار است که در جای خود به آن اشاره خواهد شد.

۳. وظایف قوه قضائیه

در اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی، قوه قضائیه پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت معرفی شده است و وظایف زیر برای آن مقرر شده است:

۱. رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می‌کند،

۲. احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع،

۳. نظارت بر حسن اجرای قوانین،

۴. کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات

مدون جزایی اسلام،

۵. اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

ساختار و نهادهایی که برای این قوه در قانون اساسی و سایر قوانین تعریف شده، در راستای وظایف مذکور می‌باشد. به عنوان مثال، سازمان بازرسی کل کشور به‌منظور نظارت بر حسن اجرای قوانین تشکیل شده و دادگاه‌های عمومی به تظلمات و شکایات افراد رسیدگی کرده و در مورد خصومات تصمیم‌گیری می‌کند. اصل چهل‌ونهم قانون اساسی نیز در همین راستا قابل تحلیل است. طبق این اصل «دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود». برای اجرای این اصل، قانونی در سال ۱۳۶۳ با عنوان «قانون نحوه اجرای اصل چهل‌ونهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» به تصویب رسید. طبق ماده (۳) این قانون، به‌منظور اجرای اصل مذکور، رئیس قوه قضائیه موظف است در مرکز هریک از استان‌های کشور و شهرستان‌هایی که لازم بداند شعبه یا شعبی از دادگاه انقلاب را جهت رسیدگی و ثبوت شرعی دعاوی مطروحه معین کند. ماده (۴) قانون مذکور نیز هریک از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و شرکت‌ها و



دستگاه‌های دولتی و وابسته به دولت و شهرداری‌ها را موظف کرده که سوابق همه وزرا، معاونان، مدیران کل وزارتخانه و استان، ذی‌حسابی‌ها، استانداران، فرمانداران، شهرداران، رؤسا و مدیریت‌ها و سرپرستان سازمان‌ها و شرکت‌ها و حسب مورد پرونده‌های طرفین قراردادهای و مقاطعه‌کاری‌ها و سوءاستفاده‌ها و تبانی‌های غیرقانونی و افراد و عوامل حیف و میل بیت‌المال را بررسی کرده و هرگاه به موارد مشمول اصل چهل‌ونهم قانون اساسی برخورد کردند به صورت شکایت، دادخواست و یا گزارش در محاکم قضایی صالحه طرح کنند.

در ادامه در بررسی ساختار قوه قضائیه، وظایف هریک از ارکان نیز بیان می‌شود.

۴. ساختار

قوه قضائیه یکی از قوای حاکم در جمهوری اسلامی و مانند سایر قوا زیر نظر ولایت فقیه است. البته به خاطر ملاحظات که در خصوص قضاوت بیان شد، نصب عالی‌ترین مقام قضایی در زمره اختیارات ولی فقیه قرار گرفته است. در خصوص ساختار قوه قضائیه، ابتدا در مورد رئیس قوه قضائیه و وظایف و اختیارات وی و سپس در مورد اجزای این قوه توضیحاتی ارائه خواهد شد.

۱-۴. رئیس قوه قضائیه

براساس بند «۶» اصل یکصد و نهم قانون اساسی که ناظر به برخی از وظایف و اختیارات رهبر می‌باشد، نصب و عزل و قبول استعفای عالی‌ترین مقام قوه قضائیه

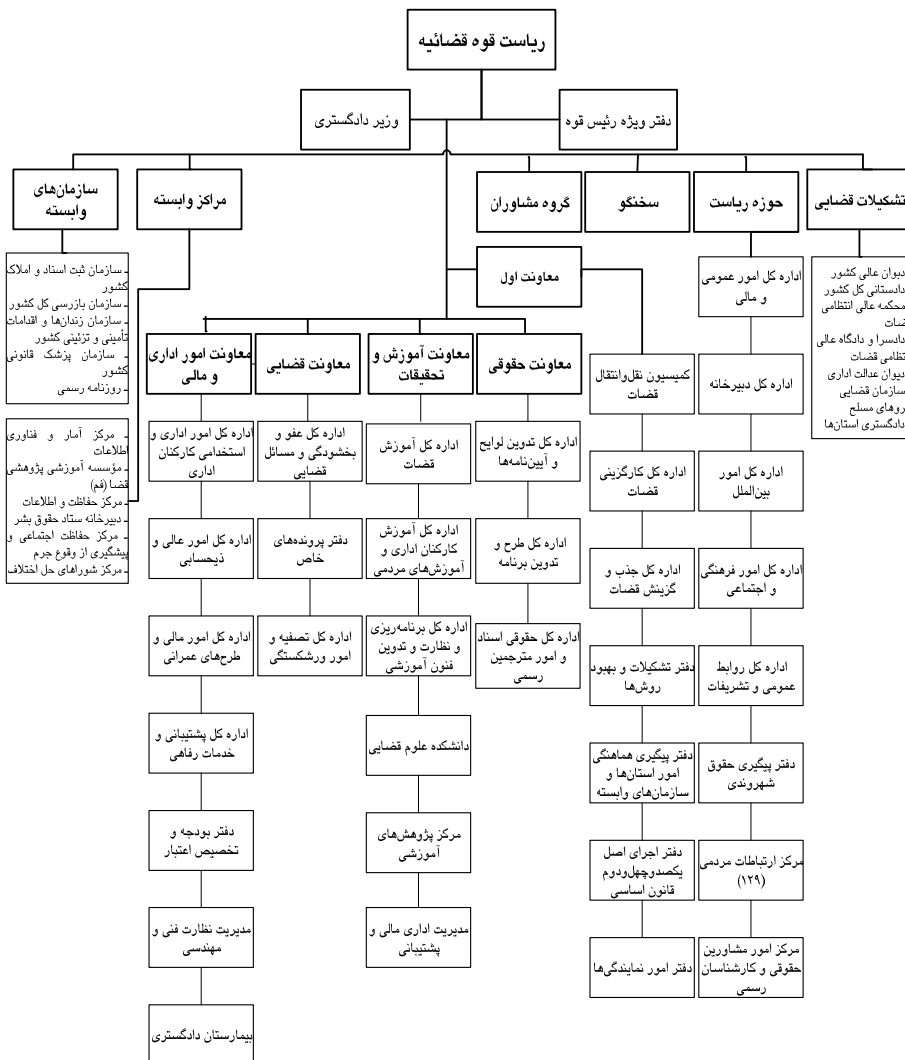
نیز بیان شده است. اصل یکصد و پنجاه و هفتم قانون اساسی که در مقام بیان جایگاه کلی و صفات رئیس قوه قضائیه می‌باشد، به نصب وی توسط رهبری تأکید کرده است. در اصل مذکور، صفات لازم برای رئیس قوه قضائیه مشخص شده است. بر این اساس وی باید فردی مجتهد، عادل، آگاه به امور قضایی، مدیر و مدبر باشد. طبق اصل مذکور، رهبر، رئیس قوه قضائیه را برای مدت پنج سال به این سمت می‌گمارد. رویه ۲۰ سال اخیر بر این بوده که اشخاصی که بر این سمت گماشته شده‌اند، ریاست آنها برای یک دوره پنج‌ساله دیگر تمدید شده است.

اصل یکصد و پنجاه و هفتم قانون اساسی تمامی مسئولیت‌های قوه قضائیه در کلیه امور قضایی، اداری و اجرایی را بر عهده رئیس قوه قضائیه دانسته است. واضح است که این امور در قوه قضائیه توسط اشخاص ذیربط از قبیل معاونت‌های قوه قضائیه و قضات انجام می‌شود ولی در نهایت مسئولیت آن بر عهده رئیس قوه قضائیه خواهد بود. رئیس قوه قضائیه برای انجام این مسئولیت، می‌تواند تشکیلاتی را که لازم می‌شمارد در قوه قضائیه ایجاد نماید. این اختیار در بند «۱» اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی به وی اعطا شده است. ساختارهای موجود در قوه قضائیه نیز به همین منظور و به همین استناد ایجاد شده است. در حال حاضر چارت تشکیلات و ساختار قوه قضائیه به صورت نمودار ۱ می‌باشد:^۱

۱. به نقل از سایت قوه قضائیه به آدرس زیر:



نمودار ۱. چارت سازمانی قوه قضائیه



علاوه بر این، اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی که وظایف رئیس قوه قضائیه را به صورت جداگانه بر شمرده است، بجز «ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی» که در بالا به آن اشاره شد، به دو امر مهم دیگر نیز اشاره کرده است که یکی «تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی»^۱ و دیگری «استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون» می‌باشد. بر این اساس، تمامی امور مربوط به قضات از قبیل استخدام، نصب آنها به مراتب مختلف، عزل ایشان، ترفیع رتبه آنها و مسائلی از این دست، توسط رئیس قوه قضائیه انجام می‌گیرد. البته لازم به ذکر است که بر اساس نص صریح بند «۳» اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی، تمامی امور مذکور در این بند باید طبق قوانین مصوب مجلس انجام گیرد و لذا رئیس قوه قضائیه نمی‌تواند بدون توجه به قوانین و صرفاً بنا به مصالحی که مد نظر قرار می‌دهد، به امور مذکور اقدام کند.

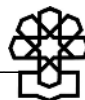
بجز موارد مذکور، طبق سایر اصول قانون اساسی و قوانین عادی، رئیس قوه قضائیه وظایف دیگری را نیز بر عهده دارد که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. نصب رئیس دیوان عالی کشور با مشورت قضات دیوان عالی کشور برای

مدت پنج سال،^۲

۱. در این مورد در بخش‌های بعد توضیحاتی ارائه خواهد شد.

۲. اصل یکصد و شصت و دوم قانون اساسی.



۲. نصب دادستان کل کشور با مشورت قضات دیوان عالی کشور برای مدت پنج سال،^۱
۳. نصب رئیس دیوان عدالت اداری،^۲
۴. نصب رئیس سازمان بازرسی کل کشور،^۳
۵. پیشنهاد وزیر دادگستری به رئیس‌جمهور،^۴
۶. تعیین ضوابط برای تشکیل دیوان عالی کشور،^۵
۷. رسیدگی به داریایی برخی از مسئولان اجرایی: طبق اصل یکصد و چهل و دوم قانون اساسی «داریایی رهبر، رئیس‌جمهور، معاونان رئیس‌جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که برخلاف حق، افزایش نیافته باشد».

۲-۴. قاضی

رکن اصلی قوه قضائیه را می‌توان قاضی دانست. وی در متن کار قضایی قرار داشته و با ارباب رجوع اعم از شاکی، متشاکی، خواهان، خوانده و سایر اشخاصی که در پرونده دخیل هستند - مواجه است. قانون اساسی صفات و شرایط قاضی را صراحتاً تعیین نکرده ولی ملاک تعیین آن را مشخص کرده است. طبق اصل یکصد و شصت و سوم قانون اساسی «صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی

۱. همان.

۲. ماده (۴) قانون دیوان عدالت اداری.

۳. ماده (۴) قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور.

۴. اصل یکصد و شصت و دوم قانون اساسی.

۵. اصل یکصد و شصت و یکم قانون اساسی.

به‌وسیله قانون معین می‌شود». در همین راستا در سال ۱۳۶۱ «قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری» به تصویب رسید. در این قانون شرایط زیر برای قضات مقرر شد:

۱. ایمان و عدالت و تعهد عملی نسبت به موازین اسلامی و وفاداری به نظام

جمهوری اسلامی ایران،

۲. طهارت مولد،

۳. تابعیت ایران و انجام خدمت و وظیفه یا دارا بودن معافیت قانونی،

۴. سلامتی و توانایی انجام کار و عدم اعتیاد به مواد مخدر،

۵. دارا بودن اجتهاد به تشخیص رئیس قوه قضائیه یا اجازه قضا از جانب وی

به کسانی که تحصیلات دانشگاهی یا حوزوی مرتبط داشته باشند.

ذکر این نکته ضروری است که لازم است نهایت حمایت از قاضی صورت گیرد

تا وی بتواند به خوبی به انجام وظایف خویش بپردازد. قانون اساسی در این راستا و

با هدف حمایت از قاضی، اصل یکصدوشصت و چهارم را مقرر کرده است «قاضی را

نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب

انفصال است به‌طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا

سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس

از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل. نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر

طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد».

در قوانین، تخلفات قضات و مجازات آن تعیین شده است. در صورتی که قاضی

مرتکب تخلف شود و مجازات آن انفصال باشد و یا مرتکب جرمی شود که مستوجب

انفصال باشد، می‌توان وی را از کار برکنار کرد. تغییر محل خدمت قاضی و سمت او



نیز در صورتی می‌تواند انجام گیرد که قاضی بر این امر رضایت داشته باشد. البته در این مورد (تغییر محل خدمت قاضی) در صورتی که مصلحت جامعه مقتضی باشد، رئیس قوه قضائیه با مشورت رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل می‌تواند محل خدمت قاضی را بدون رضایت وی تغییر دهد.

علاوه بر حمایت فوق از قاضی، اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی، در مورد ورود خسارت مادی یا معنوی ناشی از تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص تعیین تکلیف کرده است. طبق این اصل «هرگاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد». بر این اساس، بسته به اینکه تقصیر از جانب قاضی بوده یا نبوده باشد، مسئول جبران خسارت متفاوت خواهد بود. در صورت نخست، خود قاضی و در صورت اخیر، دولت در این خصوص مسئولیت خواهد داشت.

نکته دیگری که اشاره به آن ضروری است، آنکه قاضی در رأی دادن دارای استقلال است و بنا به استنباطی که از قوانین دارد، عمل می‌کند و کسی نمی‌تواند او را ملزم به پذیرش امر خاصی نماید. از آنجا که عدالت و علم قاضی مفروض است، استقلال وی در رأی نیز لاجرم مورد پذیرش خواهد بود. از این رو، برای جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص، اجازه تجدیدنظرخواهی از آرای دادگاه‌ها داده شده است و علاوه بر این می‌توان از رفتار و عملکرد قاضی به دادگاه عالی انتظامی قضات شکایت کرد تا در صورتی که رفتار قاضی مصداق تخلف باشد، برابر قوانین به آن رسیدگی شود.

۴-۳. نهادها

قانون اساسی بنا به اهداف و وظایفی که برای قوه قضائیه در نظر گرفته، برخی نهادها را نیز برای قوه مذکور پیش‌بینی کرده است. در ادامه به اهم این موارد اشاره می‌شود:

۴-۳-۱. دادگاه‌های دادگستری

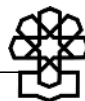
بر این اساس، طبق اصل شصت و یکم قانون اساسی، قوه قضائیه از طریق دادگاه‌های دادگستری اعمال می‌شود. این دادگاه‌ها بدنه قوه قضائیه را تشکیل می‌دهند و اشخاص برای احقاق حقوق خویش و اقامه دعوا به آنها رجوع می‌نمایند. البته انواع این دادگاه‌ها در قانون اساسی مشخص نشده و این امر به قوانین مصوب مجلس محول شده است.^۱ در حال حاضر دادگاه‌ها به دو بخش دادگاه‌های عمومی و انقلاب تقسیم می‌شوند که دادگاه‌های عمومی نیز به دادگاه‌های کیفری و حقوقی تقسیم شده‌اند. دادرها نیز در کنار دادگاه‌های عمومی کیفری و انقلاب حضور دارند. رسیدگی در مرحله تجدیدنظر نیز در دادگاه‌های تجدیدنظر صورت می‌گیرد.

هر شخصی می‌تواند جهت تظلم‌خواهی و طرح دعوا در امور حقوقی به دادگاه‌های حقوقی و در امور کیفری به دادرها و دادگاه‌های کیفری مراجعه کند.^۲ این مراجع نیز براساس قوانین آیین دادرسی مدنی و کیفری به دعاوی و شکایات رسیدگی می‌کنند.

لازم به ذکر است که به جرائم عمومی تمامی اشخاص، اعم از تمامی مسئولان و

۱. اصل یکصد و پنجاه و نهم قانون اساسی: «... تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است.»

۲. طبق صدر اصل یکصد و پنجاه و نهم قانون اساسی: «مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است.»



مردم عادی، در دادگاه‌های عمومی رسیدگی می‌شود و در این مورد تفاوتی میان اشخاص نیست. طبق اصل یکصد و چهارم قانون اساسی «رسیدگی به اتهام رئیس‌جمهور و معاونان او و وزیران در مورد جرائم عادی با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاه‌های عمومی دادگستری انجام می‌شود». تنها تفاوتی که در این میان وجود دارد این است که به جرائم برخی از مسئولان، در «دادگاه کیفری استان تهران» رسیدگی می‌شود. این اشخاص عبارتند از «اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، وزرا و معاونین آنها، معاونان و مشاوران رؤسای سه قوه، سفرا، دادستان و رئیس دیوان محاسبات، دارندگان پایه قضایی، استانداران، فرمانداران و جرائم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و مدیران کل اطلاعات استان‌ها».^۱

لازم به ذکر است که به منظور رسیدگی به اتهامات و پرونده‌های مربوط به روحانیون، دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت با دستور امام خمینی (ره) و زیر نظر خود ایشان تشکیل شد. هدف از تشکیل این نهاد، رسیدگی تخصصی‌تر و البته با سخت‌گیری بیشتر نسبت به اتهامات روحانیون می‌باشد. طبق ماده (۱) آیین‌نامه دادسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت مصوب ۱۳۶۹ با اصلاحات بعدی، «به منظور پیشگیری از نفوذ افراد منحرف و تبه‌کار در حوزه‌های علمیه، حفظ حیثیت روحانیت و به کیفر رساندن روحانیون متخلف دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت تحت نظارت عالیه مقام معظم رهبری» تشکیل شده است. این نهاد در حال حاضر طبق آیین‌نامه مصوب مقام معظم رهبری اداره می‌شود و زیر نظر قوه قضائیه نیست.

۱. تبصره ماده (۴) قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب اصلاحی سال ۱۳۸۱.

۲-۳-۴. سازمان قضایی نیروهای مسلح

سازمان قضایی نیروهای مسلح بخشی از قوه قضائیه است و تنها مرجع قضایی اختصاصی پیش‌بینی شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و از دادرها و دادگاه‌های نظامی تشکیل شده است.

براساس اصل یکصد و هفتاد و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد، ولی به جرائم عمومی آنان یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود. دادستانی و دادگاه‌های نظامی، بخشی از قوه قضائیه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند».

طبق قانون، محاکم نظامی به دادگاه‌های نظامی یک و دو تقسیم می‌شوند. دادگاه‌های نظامی یک به جرائمی که در قانون مجازات‌های شدیدتری دارند، رسیدگی می‌کنند. بجز تعدادی از آرا که مطابق قانون قطعی می‌باشد، سایر آرای دادگاه‌های نظامی دو قابل تجدیدنظر در دادگاه‌های نظامی یک و آرای دادگاه‌های نظامی یک، قابل اعتراض و تجدیدنظر در دیوان عالی کشور است.

در حال حاضر صلاحیت‌های سازمان قضایی نیروهای مسلح براساس مصوبات مجلس شورای اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت نظام و اجازه خاص از رهبر، رسیدگی به موارد زیر است:

- جرائم خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح،
- جرائم مرتبط با وظایف پرسنل وزارت اطلاعات،



- جرائمی که در حین تحقیقات و رسیدگی به جرائم خاص نظامی کشف می‌شود،
- جرائم اسرای ایرانی و اسرای بیگانه در کشور.

۳-۴. دیوان عالی کشور

عالی‌ترین مرجع قضایی در نظام قضایی جمهوری اسلامی، دیوان عالی کشور است که طبق اصل یکصد و شصت و یکم قانون اساسی ایجاد شده است. براساس اصل مذکور «دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی و انجام مسئولیت‌هایی که طبق قانون به آن محول می‌شود براساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند تشکیل می‌گردد».

دیوان عالی کشور از برجسته‌ترین قضات کشور تشکیل می‌شود. دیوان عالی متشکل از شعب و هیئت عمومی می‌باشد. شعب این دیوان نیز صلاحیت رسیدگی شکلی به شکایات از آرای صادره توسط دادگاه‌ها را دارند. هیئت عمومی صلاحیت صدور رأی وحدت رویه را داراست که از ارزشی در حد قوانین برخوردار است. این آرا در مواردی صادر می‌شود که شعب دیوان در مصادیق مشابه، برداشت‌های متفاوتی از قوانین یا اصول حاکم داشته و در نتیجه آرای متفاوتی صادر کرده‌اند.

اعضا و رئیس این دیوان مانند تمامی قضات دیگر توسط رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شوند. رسیدگی این دیوان به پرونده‌ها به صورت شکلی است و طرفین دعوی در دادگاه حاضر نمی‌شوند مگر آنکه دادگاه برای ادای توضیحات اقدام به احضار آنها کند.

هیئت عمومی دیوان عالی کشور با توجه به ماهیت موضوع حقوقی، جزایی و یا صدور رأی وحدت رویه به انواع زیر تقسیم‌بندی می‌شود:

۱. هیئت عمومی شعب حقوقی متشکل است از رئیس دیوان و رؤسای شعب حقوقی دیوان و موضوعاً به احکام اصراری دادگاه‌های تالی در موارد حقوقی رسیدگی می‌کند.

۲. هیئت عمومی شعب کیفری با حضور رئیس دیوان و رؤسای شعب کیفری تشکیل و به احکام اصراری دادگاه‌های تالی کیفری در خصوص مسائل جزایی رسیدگی می‌کند.

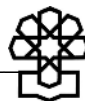
۳. هیئت عمومی وحدت رویه دیوان عالی کشور به منظور ایجاد وحدت رویه نسبت به آرا و احکام معارض صادره از شعب دیوان عالی و احکام متناقض دادگاه‌های تالی با حضور رئیس دیوان، رؤسا و مستشاران کلیه شعب حقوقی و کیفری تشکیل می‌شود. رأی صادره از سوی این هیئت برای کلیه مراجع قضایی کشور لازم‌الاتباع است.

قابل ذکر است که دادستانی کل کشور نیز در معیت دیوان عالی کشور تشکیل می‌شود. براساس اصل یکصد و شصت و دوم قانون اساسی رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل از میان مجتهدان عادل و آگاه به امور قضایی، توسط رئیس قوه قضائیه با مشورت قضات دیوان عالی کشور برای مدت پنج سال منصوب می‌شوند.

لازم به ذکر است که دیوان عالی کشور، وظایف زیر را برعهده دارد:

۱. صدور رأی وحدت رویه که توضیح آن گذشت.

۲. نظارت بر دادگاه‌ها: طبق اصل یکصد و شصت و یکم قانون اساسی یکی از وظایف دیوان عالی کشور «نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم» است. بر این اساس، آرای دادگاه‌ها با شرایطی، قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور می‌باشد.



در این مرحله، دیوان عالی کشور، با رسیدگی شکلی که انجام می‌دهد، بر رعایت قوانین در صدور آرای دادگاه‌ها نظارت می‌کند.

با توجه به این وظیفه دیوان عالی کشور، اخیراً رئیس قوه قضائیه طی آیین‌نامه‌ای مقرر داشته که «نظارت بر اجرای صحیح قوانین در کلیه دادگاه‌ها شامل عمومی، انقلاب، نظامی، کیفری استان و تجدیدنظر برعهده رئیس دیوان می‌باشد که از طریق معاونتی تحت عنوان معاونت نظارت دیوان عالی کشور اعمال می‌شود» و «نظارت بر اجرای صحیح قوانین در کلیه دادرها اعم از عمومی، انقلاب و نظامی برعهده دادستان کل کشور می‌باشد که از طریق معاونتی تحت عنوان معاونت نظارت دادستان کل کشور اعمال می‌شود».

۳. رسیدگی به تخلف رئیس‌جمهور از وظایف قانونی: طبق اصل یکصد و چهارم قانون اساسی، به جرائم رئیس‌جمهور در دادگاه‌های عمومی رسیدگی می‌شود. ولی براساس بند «۱۰» اصل یکصد و دهم قانون اساسی، تخلف رئیس‌جمهور از اجرای قوانین، توسط دیوان عالی کشور بررسی می‌شود و در صورت احراز این امر و صدور حکم، گزارش آن برای طی تشریفات عزل رئیس‌جمهور متخلف، به رهبر تقدیم می‌شود.

۴-۳-۴. دیوان عدالت اداری

یکی دیگر از مهمترین نهادهایی که به موجب قانون اساسی در ذیل قوه قضائیه ایجاد می‌شود، دیوان عدالت اداری است. این دیوان که هدف از تشکیل و عمده صلاحیت آن

در اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی آمده است،^۱ در قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۸۵ به صورت مفصل، تشکیلات، صلاحیت و آیین دادرسی آن بیان شده است.

بر این اساس، رئیس دیوان عدالت اداری توسط رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شود. این دیوان از شعب، شعب تشخیص و هیئت عمومی تشکیل شده است. هر شعبه دیوان متشکل است از یک رئیس و دو مستشار. شعب تشخیص نیز که برای تجدیدنظر در رأی شعب در مواردی معدود دارای صلاحیت است، از یک رئیس یا دادرس علی‌البدل و چهار مستشار تشکیل می‌شود. هیئت عمومی دیوان نیز از قضات دیوان تشکیل می‌شود.

وظیفه اصلی دیوان عدالت اداری، رسیدگی به شکایت اشخاص علیه اقدامات و تصمیمات مأموران و دستگاه‌های دولتی است. در صورتی که این اقدامات و تصمیمات در مورد شخص یا اشخاص خاصی صورت گرفته باشد، شکایت از آنها در شعب دیوان رسیدگی می‌شود^۲ و در صورتی که شکایت از تصمیمات عام باشد،

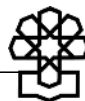
۱. اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی: «به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام «دیوان عدالت اداری» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند». ضمناً اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی نیز مقرر داشته است «قضات دادگاه‌ها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هر کس می‌تواند ابطال اینگونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند».

۲. ماده (۱۳) قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ «صلاحیت و حدود اختیارات دیوان به قرار زیر است:

۱. رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از:

الف) تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های

دولتی و شهرداری‌ها و تشکیلات و نهادهای انقلابی و مؤسسات وابسته به آنها.



هیئت عمومی دیوان در مورد آنها تصمیم‌گیری کرده و اگر آنها را برخلاف قانون یا شرع بدانند، حکم به ابطال آنها خواهد داد.^۱ تجدیدنظرخواهی از تصمیمات و آرای قطعی مراجع اختصاصی اداری مانند کمیسیون موضوع ماده (۱۰۰) شهرداری‌ها و نیز هیئت‌های بازرسی نیز در شعب دیوان رسیدگی می‌شود.

دولت نیز ملزم به تبعیت از آرای دیوان عدالت است و در صورتی که مسئول دولتی از اجرای آرای دیوان سرپیچی کند، حسب مورد به انفصال از خدمات دولتی و

(ب) تصمیمات و اقدامات مأموران واحدهای مذکور در بند «الف» در امور راجع به وظایف آنها.

۲. رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آرا و تصمیمات قطعی دادگاه‌های اداری، هیئت‌های بازرسی و کمیسیون‌هایی مانند کمیسیون‌های مالیاتی، شورای کارگاه، هیئت حل اختلاف کارگر و کارفرما، کمیسیون موضوع ماده (۱۰۰) قانون شهرداری‌ها، کمیسیون موضوع ماده (۵۶) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و منابع طبیعی و اصلاحات بعدی آن منحصراً از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آنها.

۳. رسیدگی به شکایات قضات و مشمولین قانون استخدام کشوری و سایر مستخدمان واحدها و مؤسسات مذکور در بند «ا» و مستخدمان مؤسساتی که شمول این قانون نسبت به آنها محتاج ذکر نام است اعم از لشگری و کشوری از حیث تضییع حقوق استخدامی».

۱. ماده (۱۹) قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵: «حدود صلاحیت و اختیارات هیئت عمومی دیوان به شرح زیر است:

۱. رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از: آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها از حیث مخالفت مدلول آنها با قانون و احقاق حقوق اشخاص در مواردی که تصمیمات یا اقدامات یا مقررات مذکور به علت برخلاف قانون بودن آن و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوءاستفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود.

۲. صدور رأی وحدت رویه در مورد آرای متناقض صادره از شعب دیوان.

۳. صدور رأی وحدت رویه در صورتی که نسبت به موضوع واحد، آرای مشابه متعدد صادر شده باشد».

قابل ذکر است که طبق تبصره ماده فوق «رسیدگی به تصمیمات قضایی قوه قضائیه و مصوبات و تصمیمات شورای نگهبان قانون اساسی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان، شورای عالی امنیت ملی و شورای عالی انقلاب فرهنگی از شمول این ماده خارج است».

جزای نقدی محکوم خواهد شد.

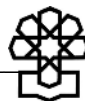
هیئت عمومی دیوان عدالت، علاوه بر رسیدگی به شکایات از تصمیمات عام دولتی، آرای وحدت رویه را نیز صادر می‌کند. رأی وحدت رویه دیوان عدالت اداری در مواردی صادر می‌شود که شعب در موارد مشابه، آرای متعارض صادر کرده باشند، که در این صورت، پس از بررسی موضوع در هیئت عمومی، نسبت به صدور رأی اقدام می‌شود. علاوه بر این، در صورتی که در موضوعی واحد، حداقل پنج رأی مشابه در شعب دیوان صادر شده باشد، موضوع در هیئت عمومی مطرح و «رأی وحدت رویه» صادر می‌شود. مفاد رأی وحدت رویه برای شعب دیوان و دستگاه‌های دولتی لازم‌الاتباع است و رسیدگی‌های بعدی در این خصوص در شعب دیوان، خارج از نوبت انجام می‌گیرد.

۵-۳-۴. سازمان بازرسی کل کشور

بر اساس اصل یکصد و هفتاد و چهارم قانون اساسی «بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند». مجلس نیز در سال ۱۳۶۰ قانونی را به این منظور به تصویب رساند. بر این اساس، رئیس سازمان توسط رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شود.

طبق قانون فوق، وظایف سازمان بازرسی کل کشور به شرح زیر می‌باشد:

۱. بازرسی و نظارت مستمر کلیه وزارتخانه‌ها و ادارات و امور اداری و مالی دادگستری، سازمان‌ها و دستگاه‌های تابعه قوه قضائیه و نیروهای نظامی و انتظامی



و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها و دفاتر اسناد رسمی و مؤسسات عام‌المنفعه و نهادهای انقلابی و سازمان‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه یا سهام آنان متعلق به دولت است یا دولت به نحوی از انحا بر آنها نظارت یا کمک می‌کند و کلیه سازمان‌هایی که شمول این قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام آنهاست براساس برنامه منظم.

۲. انجام بازرسی‌های فوق‌العاده حسب‌الامر مقام معظم رهبری و یا به دستور رئیس قوه قضائیه و یا درخواست رئیس‌جمهور و یا کمیسیون اصل نودم قانون اساسی مجلس شورای اسلامی و یا بنا به تقاضای وزیر یا مسئول دستگاه‌های اجرایی ذیربط و یا هر موردی که به نظر رئیس سازمان ضروری تشخیص داده شود.

۳. اعلام موارد تخلف و نارسایی‌ها و سوءجریان‌ات اداری و مالی درخصوص وزارتخانه‌ها و نهادهای انقلاب اسلامی و بنیادها به رئیس‌جمهور و درخصوص مؤسسات و شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت به وزیر ذیربط و در مورد شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به وزیر کشور و درخصوص مؤسسات غیردولتی کمک بگیر از دولت به وزیر ذیربط و درخصوص سوءجریان‌ات اداری و مالی مراجع قضایی و واحدهای تابعه دادگستری به رئیس قوه قضائیه و در موارد ارجاعی کمیسیون اصل نودم قانون اساسی نتیجه بازرسی به آن کمیسیون اعلام خواهد شد.

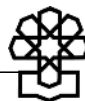
۴. در مواردی که گزارش بازرسی متضمن اعلام وقوع جرمی است، چنانچه جرم دارای حیثیت عمومی باشد، رئیس سازمان یا مقامات مأذون از طرف وی یک نسخه از گزارش را با دلایل و مدارک مربوط برای تعقیب و مجازات مرتکب به مرجع صالح قضایی ارسال و موضوع را تا حصول نتیجه نهایی پیگیری نمایند و در مورد

تخلفات اداری، انضباطی و انتظامی مستقیماً مراتب را به مراجع ذیربط منعکس نموده و پیگیری لازم را به عمل می‌آورند. مراجع رسیدگی‌کننده مکلفند وقت رسیدگی و جهت حضور را به اطلاع سازمان بازرسی کل کشور برسانند.

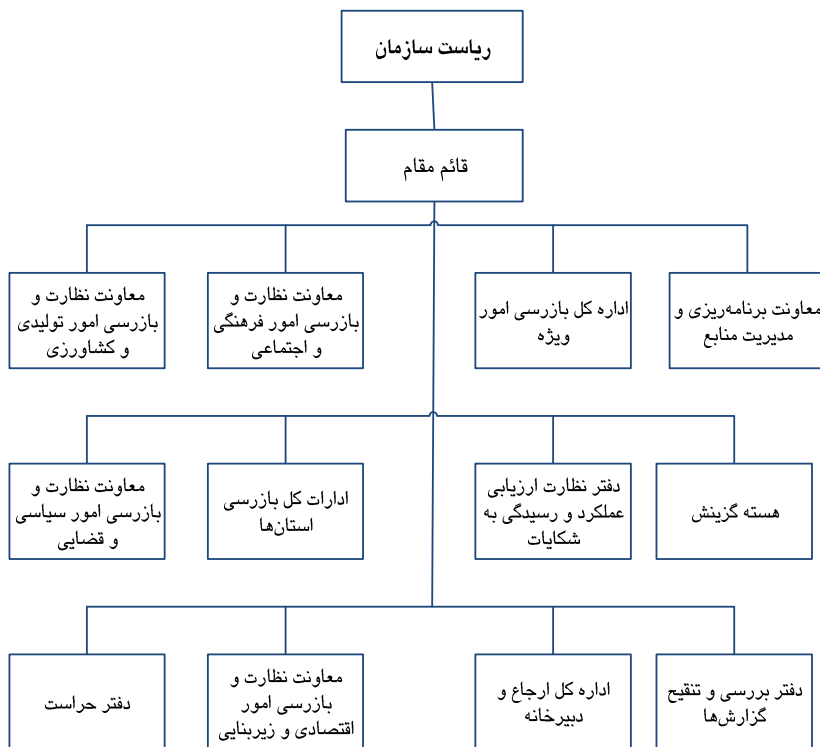
۵. در مواردی که گزارش بازرسی متضمن اعلام تخلف اداری مدیران کل ادارات و مقامات بالاتر تا سطح وزرا و هم‌تراز آنان باشد سازمان بازرسی کل کشور موضوع را جهت رسیدگی به هیئت تخلفات اداری نهاد ریاست‌جمهوری منعکس و تا حصول نتیجه پیگیری خواهد کرد، البته رسیدگی به تخلفات مقامات و کارکنان قوای قضائیه و مقننه و نیروهای مسلح، شورای نگهبان و دستگاه‌های زیر نظر مقام معظم رهبری از شمول این ماده مستثناست.

قابل ذکر است که بازرسی توسط بازرس یا هیئت‌های بازرسی به عمل می‌آید. رئیس هیئت بازرسی نیز توسط رئیس سازمان حسب مورد از بین قضات یا متخصصین و کارشناسان برجسته و مورد اعتماد انتخاب می‌شود. چارت سازمانی سازمان بازرسی کل کشور به قرار زیر است:^۱

۱. به نقل از سایت سازمان بازرسی کل کشور به آدرس: <http://www.gio.ir>



نمودار ۲. چارت سازمانی سازمان بازرسی کل کشور



۴-۳-۶. سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی

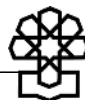
براساس بند «۵» اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانونی اساسی یکی از وظایف قوه قضائیه «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین» است. در این راستا سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تشکیل شده است. رئیس این سازمان توسط رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شود. این سازمان عهده‌دار وظایف زیر است:

الف) اداره کلیه امور مربوط به زندان‌ها، بازداشتگاه‌ها و مراکز اقدامات تأمینی و

- تربیتی کشور و مؤسسات صنعتی و کشاورزی و خدماتی وابسته به آنها،
- (ب) ایجاد امکانات و تسهیلات لازم در زمینه اصلاح و ارشاد و آموزش زندانیان و اشتغال و حرفه‌آموزی آنها،
- (ج) کمک به رفع مشکلات مادی و معنوی خانواده زندانیان،
- (د) جذب کمک‌های مردمی و مؤسسات خیریه،
- (ه) برنامه‌ریزی جهت اشتغال زندانیان داوطلب کار با استفاده از امکانات سازمان و نیز سرمایه‌های دولتی، بانک‌ها، تعاونی‌ها، بخش خصوصی و تلاش در جهت خودکفایی زندان‌ها،
- (و) تهیه آمار و اطلاعات لازم به منظور استفاده در مطالعات مربوط به جرم‌شناسی و ارائه آن به رئیس قوه قضائیه و کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی،
- (ز) تهیه فهرست اسامی زندانیان محکوم واجد شرایط عفو یا تخفیف مجازات و ارائه آن به رئیس قوه قضائیه و همچنین پیشنهاد آزادی مشروط به مقامات قضایی مربوط،
- (ح) برنامه‌ریزی برای مراقبت بعد از خروج با همکاری دستگاه‌های ذیربط.

۴-۳-۷. سایر نهادها

نهادها و سازمان‌های پیش گفته، طبق قانون اساسی تشکیل شده است. علاوه بر این موارد، در قوانین عادی برخی سازمان‌ها و نهادها به عنوان زیرمجموعه قوه قضائیه تعریف شده‌اند:



الف) سازمان پزشکی قانونی

ریاست این سازمان توسط رئیس قوه قضائیه از میان پزشکان مشخص می‌شود. براساس قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی کشور مصوب ۱۳۷۲ وظایف زیر برعهده این سازمان می‌باشد:

۱. اظهارنظر در امور پزشکی قانونی و کارشناسی آن، کالبدشکافی و انجام امور آزمایشگاهی و پاراکلینیکی به دستور مراجع ذیصلاح قضایی.
۲. پاسخ به استعلامات ادارات و سازمان‌های وابسته به قوه قضائیه و سایر دستگاه‌های دولتی.
۳. اجرای برنامه‌های کارآموزی پزشکی قانونی و بررسی صلاحیت علمی داوطلبان خدمت پزشکی قانونی در سازمان.
۴. همکاری علمی و انجام امور آموزشی و پژوهشی مورد نیاز دانشگاه‌ها که برای پیشبرد اهداف سازمان و دانشگاه‌ها مفید می‌باشد.
۵. تبادل اطلاعات علمی مورد نیاز با مراکز آموزشی داخل و خارج کشور.

ب) سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

این سازمان که از قدیمی‌ترین سازمان‌های موجود در کشور است، عهده‌دار ثبت رسمی اسناد و املاک کشور بوده و دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق زیر نظر این سازمان می‌باشند.

ج) دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

دانشگاه مذکور که پیش از این دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری بود، به موجب مصوبه مجلس در سال ۱۳۵۶ به منظور رفع نیازهای دادگستری در زمینه‌های حقوقی،

قضایی و اداری تأسیس شد. رئیس این دانشگاه توسط رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شود.

د) روزنامه رسمی کشور

روزنامه رسمی کشور یکی از سازمان‌های وابسته به قوه قضائیه است که به صورت شرکت سهامی اداره می‌شود. موضوع شرکت اداره، چاپ و نشر روزنامه رسمی کشور، انجام سفارشات چاپی و مطبوعاتی قوه قضائیه، وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی، تهیه، چاپ، توزیع و فروش کتب و نرم‌افزارهای الکترونیک و رایانه‌ای می‌باشد. وظیفه اصلی شرکت، چاپ و نشر کلیه قوانین و مصوبات مجلس شورای اسلامی، مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام، آیین‌نامه و تصویب‌نامه‌های هیئت دولت و آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری است. از دیگر وظایف مهم روزنامه رسمی کشور چاپ و نشر برخی آگهی‌های قانونی - قضایی و همچنین آگهی‌های مربوط به تأسیس و ثبت شرکت‌های تجاری است.

قابل ذکر است که براساس ماده (۲) قانون مدنی، قوانین و مقررات، ۱۵ روز پس از انتشار در روزنامه رسمی در سراسر کشور لازم‌الاجراست مگر آنکه در خود قانون، ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر شده باشد.



۵. اصول حاکم بر عملکرد قوه قضائیه

قانون اساسی اصولی را مقرر کرده که موضوع آن با حیطة وظایف و اختیارات قوه قضائیه ارتباطی وثیق دارد. این اصول در مورد سلب آزادی اشخاص، جرم، مجازات، رسیدگی قضایی و مسائلی از این قبیل است. ذیلاً به اهم این اصول با ذکر اصل مربوط در قانون اساسی اشاره می‌شود:

۵-۱. حق رجوع به دادگاه صالح

یکی از اهداف اصل تشکیل نهاد قضایی این است که افراد بتوانند نزد آن دادخواهی کنند و به حق خویش دست یابند. اصل سی و چهارم قانون اساسی بر این امر تأکید کرده و مقرر داشته «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچکس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد».

۵-۲. تعیین و اجرای مجازات توسط دادگاه صالح

قانون اساسی جهت انتظام امور و اطمینان از احقاق حقوق اشخاص مقرر داشته که صرفاً دادگاه صالح می‌تواند اشخاص را به مجازات محکوم کند و اجرای آن را پیگیری نماید. بر این اساس هیچ مقام و مرجع دیگری جز دادگاه صالح نمی‌تواند اشخاص را به مجازات محکوم نماید. طبق اصل سی و ششم قانون اساسی «حکم به

مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد». نکته دیگر در این مورد این است که تعیین مجازات به صورت مطلق در دست قاضی نیست، بلکه مجازات‌ها باید براساس قانون تعیین شوند، البته طبق اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی، قاضی می‌تواند در صورت سکوت قانون به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر نیز استناد کند.

۳-۵. علنی بودن دادگاه‌ها

یکی از راهکارهای نظارت بر قضات و احقاق حقوق اشخاص این است که رسیدگی در دادگاه به صورت علنی صورت گیرد و افراد بتوانند در دادگاه حضور یافته و شاهد رسیدگی باشند. البته این امر لاجرم استثنائاتی نیز دارد که همان مغایرت با نظم عمومی و عفت عمومی می‌باشد. این امر در اصل یکصد و شصت و پنجم قانون اساسی به صورت زیر بیان شده است «محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد».

قابل ذکر است که قانون اساسی، حکم علنی بودن دادرسی را برای برخی از جرائم غیرقابل خدشه دانسته و بر آن تأکید کرده است. طبق اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی «رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیئت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون براساس موازین اسلامی معین می‌کند».



۴-۵. حق انتخاب وکیل

برای اطمینان از وصول قاضی به عدالت و احقاق حق، لازم است طرفین دعوا بتوانند از وکیل استفاده کنند. دولت نیز باید از این حق افراد حمایت کرده و در صورتی که ایشان توانایی این کار را نداشته باشند، زمینه‌های لازم را فراهم کند. در این خصوص اصل سی و پنجم قانون اساسی مقرر داشته «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد».

۵-۵. اصل برائت

بر اساس این اصل هیچکس را نمی‌توان مجرم دانست، مگر اینکه دادگاه صلاحیتدار به این امر رسیدگی کرده و با استناد به ادله معتبر، جرم وی برای دادگاه احراز شود. اصل سی و هفتم قانون اساسی در این خصوص مقرر داشته «اصل، برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد».

۶-۵. منع بازداشت افراد مگر به موجب قانون

بر این اساس آزادی رفت و آمد اشخاص محترم و لازم‌الرعایه می‌باشد و نمی‌توان بدون دلیل، آزادی کسی را سلب کرده و وی را دستگیر و بازداشت نمود. مواردی که می‌توان اشخاص را بازداشت نمود، در قوانین مصوب مجلس مشخص می‌شود و ترتیبات این کار نیز در قوانین آمده است. بر این اساس لازم است در بازداشت

اشخاص به قوانین مربوطه توجه و عمل شود. علاوه بر این، پس از بازداشت اشخاص، باید بلافاصله علت بازداشت آنها به صورت کتبی به ایشان ابلاغ شود. نهاد ذیصلاح برای بازداشت موظف است تا ۲۴ ساعت پس از بازداشت، پرونده را برای رسیدگی قضایی، به مرجع قضایی صالح ارسال کند و الا خود وی مجازات خواهد شد.^۱

۷-۵. منع تبعید افراد مگر به موجب قانون

هر کسی حق دارد در شهر و محل مورد علاقه خود زندگی کند و نمی‌توان کسی را از این امر باز داشت و یا فردی را مجبور کرد که در محل دیگری جز محل دلخواه خویش زندگی کند. سلب این حق صرفاً در مواردی مجاز است که قانون جواز آن را صادر کرده باشد.^۲ قانون مجازات اسلامی برای برخی از جرائم، مجازات تبعید را مقرر نموده است. بر این اساس، قاضی نمی‌تواند در مواردی که قانون پیش‌بینی نکرده، حکم به تبعید مجرم دهد.

۱. اصل سی‌ودوم قانون اساسی: «هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.»

۲. اصل سی‌وسوم قانون اساسی: هیچکس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.



۸-۵. منع شکنجه

طبق اصل سی‌وهشتم قانون اساسی هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع از اشخاص ممنوع است. لذا اجبار اشخاص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و بنابراین چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. این اصل متخلف از این حکم را مستوجب مجازات دانسته است.

۹-۵. منع هتک حیثیت اشخاص

طبق مبانی اسلام، حیثیت تمامی اشخاص محترم است و کسی حق ندارد آن را مخدوش کند. حتی در مورد مجرمان نیز که مجازات در مورد آنها اعمال می‌شود، کسی حق هتک حیثیت آنان را ندارد، البته صرف اجرای مجازات در این خصوص اشکالی ایجاد نمی‌کند ولی زیاده بر آن ممنوع است. قانون اساسی در اصل سی‌ونهم قانون اساسی بر این امر تأکید کرده و این گونه مقرر داشته است «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است».

۱۰-۵. لزوم مستند و مستدل بودن احکام

دادگاه‌ها باید احکام خود را با توجه به قوانین و با دلایل متقن صادر کرده و این دلایل و مبانی را نیز ذکر نمایند. همین امر، خود باعث می‌شود قضات با توجه و اتقان بیشتری به صدور حکم بپردازند. اصل یکصدوشصت‌وششم در این خصوص مقرر داشته «احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است».

۱۱-۵. لزوم صدور حکم توسط قاضی

همان‌طور که اشخاص حق دارند برای احقاق حق خویش به دادگاه صلاحیتدار رجوع کنند، قاضی نیز موظف به رسیدگی است و نمی‌تواند از این امر استتکاف ورزد. منبع اولیه قاضی برای صدور رأی، قوانین است و در مراحل بعدی و در صورت عدم تعیین تکلیف موضوع در قوانین، لازم است قاضی با رجوع به منابع معتبر اسلامی و یا فتاوی معتبر به صدور حکم مبادرت نماید. این حکم در اصل یکصدوشصت و هفتم قانون اساسی به صورت زیر آمده است «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد».

۱۲-۵. عطف بماسبق نشدن قوانین ناظر به جرم‌انگاری

یکی از اصول عقلی که در حقوق نیز رسوخ پیدا کرده، این است که قوانین عطف بماسبق نمی‌شوند. به بیان دیگر، نمی‌توان اشخاص را قبل از ابلاغ قانون به آنها مؤاخذه نمود. عبارت دیگر این سخن در اصل یکصدوشصت و نهم قانون اساسی به صورت زیر بیان شده است «هیچ فعلی یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود». ضمناً طبق ماده (۴) قانون مدنی «اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد مگر اینکه در خود قانون مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد».



۶. ارتباط با سایر قوا

قوه قضائیه با سایر قوا روابطی دارد که در اصول مختلف قانون اساسی متجلی شده است. در ادامه، به موارد مهم این روابط اشاره می‌شود.

۶-۱. وزیر دادگستری

قانون اساسی در اصل یکصدوشصتم قانون اساسی^۱ اقدام به تعیین یک شخص نموده تا عهده‌دار ارتباط میان قوه قضائیه با دو قوه دیگر باشد. بر این اساس، وزیر دادگستری به‌عنوان رابط بین قوه قضائیه با سایر قوا تعیین شده است. نحوه انتخاب وزیر دادگستری نیز به نحوی مقرر شده که هر سه قوه در این انتخاب مؤثر هستند. به این‌صورت که رئیس قوه قضائیه اشخاصی را به رئیس‌جمهور پیشنهاد می‌دهد و رئیس‌جمهور نیز از میان آنها یک نفر را به‌عنوان وزیر دادگستری جهت کسب رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌کند. مجلس نیز پس از بررسی سوابق و ویژگی‌های وزیر پیشنهادی، در مورد او تصمیم‌گیری می‌کند. لذا وزیر دادگستری، در نهایت، شخصی خواهد بود که مورد اتفاق سه قوه است.

مسئولیت اصلی وزیر دادگستری، کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با

۱. اصل یکصدوشصتم قانون اساسی: وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوطه به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را برعهده دارد و از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس‌جمهور پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد. رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیرقضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزرا به‌عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی پیش‌بینی می‌شود.

دو قوه دیگر است. البته قانون اساسی اجازه داده که رئیس قوه قضائیه بتواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیرقضات را به وزیر دادگستری تفویض نماید. البته در این صورت، وزیر دادگستری همان وظایف و اختیارات سایر وزرا به عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی را خواهد داشت.

با توجه به نکات فوق، وزیر دادگستری علاوه بر حضور در هیئت وزیران، در قوه قضائیه نیز حاضر است. او در مجلس نیز به نمایندگان در مورد ابهاماتی که در خصوص قوه قضائیه دارند، توضیحات لازم را ارائه می‌کند.

۲-۶. بودجه قوه قضائیه

بودجه قوه قضائیه همانند بودجه تمامی دستگاه‌های دیگر، باید در بودجه کل کشور منعکس شود. از آنجا که بودجه کل کشور توسط مجلس به تصویب می‌رسد و براساس قانون اساسی، لازم است فرایند تصویب بودجه با تقدیم لایحه توسط دولت آغاز شود،^۱ تمامی دستگاه‌ها اعم از دستگاه‌های درون و بیرون از قوه مجریه، بودجه پیشنهادی خود را به این قوه ارائه می‌کنند تا در لایحه بودجه درج شود. قوه قضائیه نیز از این قاعده مستثنا نیست و لذا هر ساله، بودجه پیشنهادی خود را به قوه مجریه ارائه می‌کند. این کار از طریق وزیر دادگستری به عنوان رابط بین قوه قضائیه با سایر قوا انجام می‌گیرد. معمولاً قوه مجریه نیز بودجه پیشنهادی را با توجه به بودجه

۱. اصل پنجاه و دوم قانون اساسی: بودجه سالیانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌گردد. هرگونه تغییر در ارقام بودجه نیز تابع مراتب مقرر در قانون خواهد بود.



کل کشور، با جرح و تعدیل در لایحه بودجه گنجانده و به مجلس تقدیم می‌کند.

۳-۶. لایحه قضایی

طبق اصل هفتاد و چهارم قانون اساسی آغاز فرایند تصویب قوانین با ارائه طرح توسط حداقل ۱۵ نفر از نمایندگان و یا لایحه توسط هیئت وزیران می‌باشد.^۱ علاوه بر این دو طریق، قانون اساسی ارائه طرح توسط شورای عالی استان‌ها را نیز در اصل یکصد و دوم قانون اساسی پیش‌بینی کرده است.^۲ با وجود این، قانون اساسی برای قوانینی که دارای موضوعات قضایی هستند، شأن خاصی را قائل شده و در مورد آن حکم ویژه‌ای را بیان داشته است. در اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی، یکی از وظایف رئیس قوه قضائیه «تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی» اعلام شده است. بر این اساس، لوایح قضایی توسط قوه قضائیه تهیه شده و از طریق قوه مجریه در اختیار مجلس قرار می‌گیرد و لذا هیئت وزیران رأساً اختیار تقدیم لایحه قضایی را به مجلس ندارد. ضمن اینکه دولت صلاحیت تغییر در مفاد لایحه قضایی تقدیمی از سوی قوه قضائیه را ندارد بجز در صورت جلب موافقت رئیس قوه قضائیه.^۳

۱. اصل هفتاد و چهارم قانون اساسی: لوایح قانونی پس از تصویب هیئت وزیران به مجلس تقدیم می‌شود و طرح‌های قانونی به پیشنهاد حداقل ۱۵ نفر از نمایندگان، در مجلس شورای اسلامی قابل طرح است.

۲. اصل یکصد و دوم قانون اساسی: شورای عالی استان‌ها حق دارد در حدود وظایف خود طرح‌هایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند. این طرح‌ها باید در مجلس مورد بررسی قرار گیرد.

۳. نظر تفسیری شورای نگهبان در پاسخ به پرسش‌های رئیس قوه قضائیه در خصوص لوایح قضایی شماره

۴-۶. تحقیق و تفحص

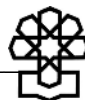
طبق اصل هفتادوششم قانون اساسی «مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد». آیین‌نامه داخلی مجلس نحوه تحقیق و تفحص را به تفصیل بیان کرده است.^۱ براین اساس هرگاه نماینده‌ای، تحقیق و تفحص در هریک از امور کشور را لازم بداند تقاضای خود را به صورت کتبی به هیئت رئیسه مجلس تسلیم نموده و هیئت رئیسه نیز آن را ظرف ۴۸ ساعت به کمیسیون تخصصی ذیربط جهت رسیدگی ارجاع می‌نماید. کمیسیون موظف است حداکثر ظرف دو هفته از تاریخ وصول، اطلاعاتی را که در این زمینه کسب نموده در اختیار متقاضی یا متقاضیان قرار دهد. در صورتی که متقاضی یا متقاضیان، اطلاعات کمیسیون را کافی تشخیص ندهند، کمیسیون موظف است ظرف یک هفته از متقاضی یا متقاضیان و بالاترین مقام دستگاه اجرایی ذیربط دعوت به عمل آورد و دلایل ضرورت تحقیق و تفحص و نظرات مقام فوق‌الذکر را استماع نماید و تا مدت ده روز گزارش خود را مبنی بر تصویب یا رد تقاضای تحقیق و تفحص به هیئت رئیسه مجلس ارائه دهد تا در مجلس مطرح شود. در صورت تصویب انجام تحقیق و تفحص، موضوع به همان کمیسیون

۱. فرق لوایح قضایی و غیرقضایی مربوط به محتوای آن است و محتوای لوایح قضایی را فصل یازدهم قانون اساسی به ویژه اصول یکصدوپنجاه و ششم، یکصدوپنجاه و هفتم و یکصدوپنجاه و هشتم قانون اساسی و موضوعات مربوط به آنها در اصول دیگر فصل یازدهم و سایر اصول مربوط به امور قضایی معین می‌کند.

۲. هیئت دولت نمی‌تواند مستقلاً لایحه قضایی تنظیم نموده و آن را به مجلس شورای اسلامی جهت تصویب نهایی ارسال نماید.

۳. لوایح قضایی که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و به دولت ارسال می‌شود، به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌گردد. هرگونه تغییر مربوط به امور قضایی در این‌گونه لوایح فقط با جلب موافقت رئیس قوه قضائیه مجاز می‌باشد.

۱. مواد (۱۹۸) تا (۲۰۱) آیین‌نامه داخلی مجلس.



تخصصی زیربط جهت رسیدگی ارجاع می‌گردد. کمیسیون موظف است اعضای هیئت تحقیق و تفحص را از بین نمایندگان تعیین و به رئیس مجلس جهت صدور ابلاغ معرفی کند. هیئت حداکثر در مدت یک‌ماه پس از پایان مهلت تحقیق و تفحص، گزارش خود را به کمیسیون تسلیم می‌نماید. کمیسیون موظف است ظرف یک ماه گزارش هیئت را در جلسه مشترک اعضای کمیسیون و هیئت مطرح و گزارش نهایی را جهت قرائت در مجلس تنظیم و پس از تصویب به هیئت‌رئیس ارسال کند. قبل از رأی‌گیری در رابطه با گزارش نهایی، وزیر یا مقام مسئول از عملکرد خود دفاع خواهد نمود. این گزارش در صحن مجلس قرائت می‌شود. در صورتی که هیئت تحقیق و تفحص تخلف و ضرورت تعقیب را احراز کند، متخلف توسط هیئت رئیس مجلس حسب مورد موضوع به قوه قضائیه یا مرجع رسیدگی به تخلفات اداری معرفی می‌شود. دستگاه قضایی صالحه موظف است طبق مقررات خارج از نوبت تقاضای کمیسیون را مورد رسیدگی قرار داده و نتیجه آن را به کمیسیون اعلام کند.

تحقیق و تفحص، شامل قوه قضائیه نیز می‌شود و براساس تبصره «۷» ماده (۱۹۸) آیین‌نامه داخلی مجلس، صرفاً «پرونده‌های جریانی مراجع قضایی و امور ماهیتی قضایی» مشمول تحقیق و تفحص نمی‌شود.

۵-۶. اصل نودم قانون اساسی

براساس اصل نودم قانون اساسی «هرکس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی

که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها خواهد و در مدت مناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند». مجلس این اختیار خود را به کمیسیونی خاص به نام کمیسیون اصل نود سپرده است. طبق ماده (۳۲) آیین‌نامه داخلی مجلس به منظور سامان دادن و کارآمد سازی مجلس و نمایندگان، خصوصاً نسبت به طرز کار قوای مجریه و قضائیه و مجلس مبتنی بر اصول متعدد قانون اساسی بالاخص اصل نودم، کمیسیون اصل نودم قانون اساسی متشکل از اعضای زیر تشکیل می‌شود:

۱. از هر کمیسیون تخصصی یک نفر با معرفی کمیسیون مربوطه،

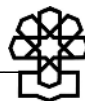
۲. هشت نفر از نمایندگان که توسط رؤسای شعب و هیئت رئیسه به‌عنوان

اعضای ثابت انتخاب می‌شوند.

کمیسیون مذکور در صورتی که شکایتی از طرز کار یکی از قوا به آن صورت گیرد، با آنها مکاتبه می‌کند. مسئولان و مأموران مربوط باید پاسخ کافی و مستند خود را حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ وصول کتباً به کمیسیون اصل نود اعلام کنند. تخلف از این امر جرم محسوب شده و مجازات آن، حبس از سه ماه تا یک سال و انفصال از خدمات دولتی از ۶ ماه تا یک سال می‌باشد و موضوع تخلف در مراجع صالحه قضایی با درخواست کمیسیون قابل رسیدگی است و مراجع مذکور نیز موظفند به این جراثم به صورت فوق‌العاده و خارج از نوبت رسیدگی و بلافاصله پس از ثبوت جرم و صدور حکم اعمال مجازات نموده و مراتب را به کمیسیون مزبور اعلام کنند.

کمیسیون در مورد شکایت، بازرس یا بازرسانی را مشخص می‌کند تا در این

خصوص به کمیسیون گزارش دهند. کمیسیون گزارش را بررسی کرده و پس از



بررسی لازم، در صورت احراز تخلف از دادگاه صالح تقاضای رسیدگی قضایی خارج از نوبت را می‌نماید. دادگاه مکلف است پس از صدور حکم نتیجه را به کمیسیون اطلاع دهد. گزارش‌های کمیسیون اصل نود پس از ارائه به هیئت رئیسه بدون رعایت نوبت در دستور کار مجلس قرار می‌گیرد و در اولین جلسه علنی قرائت می‌شود. براساس نکات و مطالب مذکور، قوه قضائیه باید پاسخگوی کمیسیون اصل نود باشد.

۶-۶. اصل یکصد و چهل و دوم قانون اساسی

اصل یکصد و چهل و دوم قانون اساسی رئیس قوه قضائیه را موظف کرده که دارایی رهبر، رئیس‌جمهور، معاونان رئیس‌جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان را قبل و بعد از خدمت، رسیدگی کند تا برخلاف حق، افزایش نیافته باشد. اشخاصی که در این اصل از آنان یاد شده، از اعضای قوه مجریه هستند و نظارت موضوع اصل مذکور به دلیل لزوم نظارت افزون‌تر بر اشخاص مذکور پیش‌بینی شده است. قابل ذکر است که این نظارت، مانع انجام سایر نظارت‌ها در مورد این اشخاص نیست و البته به این معنا نیست که سایر مسئولان که در این اصل نام برده نشده‌اند، مشمول هیچ نظارتی نیستند.

۶-۷. نظارت بر سازمان صداوسیما

سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران طبق اصل یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی، به ریاست شخصی اداره می‌شود که منصوب رهبری است. نحوه اداره و خط‌مشی این سازمان نیز به تصویب مجلس می‌رسد.

قانون اساسی شیوه نظارتی خاصی را علاوه بر شیوه‌های مرسوم، برای این سازمان پیش‌بینی کرده است. براین اساس، شورایی متشکل از نمایندگان سه قوه (هر قوه دو نفر) بر سازمان مذکور نظارت می‌کنند. نمایندگان قوه مقننه توسط مجلس، نمایندگان قوه مجریه توسط رئیس‌جمهور و نمایندگان قوه قضائیه توسط رئیس قوه قضائیه مشخص می‌شوند. نحوه کار شورای نظارت در قانون معین شده است.

۸-۶. پیشنهاد حقوق‌دانان شورای نگهبان

اصل نودویکم قانون اساسی در مقام تعیین اعضای شورای نگهبان، انتخاب ۶ نفر فقیه این شورا را به رهبر می‌سپارد و در مورد حقوق‌دانان این شورا مقرر داشته که «۶ نفر حقوق‌دان، در رشته‌های مختلف حقوقی، از میان حقوق‌دانان مسلمانی که به وسیله رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی معرفی می‌شوند و با رأی مجلس انتخاب می‌گردند». بر این اساس رئیس قوه قضائیه، حقوق‌دانان را به تعداد بیش از افراد مورد نیاز، به مجلس معرفی می‌کند و مجلس نیز با نصاب اکثریت نسبی، اقدام به انتخاب می‌کند.

نتیجه‌گیری

اهمیت و جایگاه قوه قضائیه بر کسی پوشیده نیست: نقشی که قوه قضائیه در پیشگیری از جرائم و حل اختلافات و مجازات مجرمان برعهده دارد، آنچنان برجسته و مهم است که اگر به درستی انجام پذیرد، تمام جامعه را اصلاح می‌کند و اگر انجام آن با مشکل مواجه شود، لاجرم جامعه نیز به سمت و سوی صلاح و رستگاری



نخواهد رفت. چراکه هر عضو یا نهاد در جامعه که در جهت فساد قدم بردارد، با مقابله خاص قوه قضائیه مواجه خواهد بود و این قوه قضائیه است که با واکنش صحیح و بموقع خویش می‌تواند مانع ایجاد و یا گسترش فساد شده و آن را نابود سازد و لذا اگر این قوه وظیفه خویش را به درستی انجام ندهد، سخن از صلاح جامعه، بی‌معنا خواهد بود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز قوه قضائیه را دارای شأنی والا دانسته و در اصل یکصد و پنجاه و ششم اعلام کرده «قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت ... است» و وظایفی را برای این قوه معین کرده است.

برای انجام وظایف فوق در قوه قضائیه، نهادهایی از قبیل دادسراها، دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر، دیوان عالی کشور، دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی کل کشور تشکیل شده‌اند. علاوه بر این سازمان‌های دیگری نیز زیرمجموعه قوه قضائیه قرار دارند که سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، سازمان پزشکی قانونی، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری از آن جمله هستند. دادگاه و دادستانی ویژه روحانیت و سازمان قضایی نیروهای مسلح نیز از دستگاه‌های زیرمجموعه قوه قضائیه هستند. نهادها و سازمان‌های فوق، برخی به صورت مستقیم و بعضی نیز به‌طور غیرمستقیم با وظایف قوه قضائیه ارتباط دارند.

قوه قضائیه به طرق مختلفی با سایر قوا نیز مرتبط است که از آن جمله می‌توان به تحقیق و تخصص، کمیسیون اصل نود، وزارت دادگستری، تصویب بودجه قوه قضائیه توسط مجلس اشاره کرد.

منابع و مآخذ

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲. آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۹ با اصلاحات بعدی.
۳. قانون نحوه اجرای اصل نودم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۵.
۴. قانون نحوه گزارش کمیسیون اصل نودم قانون اساسی، مصوب ۱۳۶۶.
۵. قانون اجازه مکاتبه و تحقیق مستقیم به کمیسیون اصل نودم با دستگاه‌های دولتی جهت رسیدگی به شکایات مردم، مصوب ۱۳۵۹.
۶. قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ با الحاقات و اصلاحات بعدی.
۷. قانون تأسیس روزنامه رسمی مصوب ۱۳۸۹.
۸. قانون پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶.
۹. قانون ثبت اسناد و املاک کشور مصوب ۱۳۱۰ با اصلاحات بعدی.
۱۰. قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی کشور، مصوب ۱۳۷۲.
۱۱. قانون «تبدیل شورای سرپرستی زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور» به «سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور»، مصوب ۱۳۶۴.
۱۲. قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، مصوب ۱۳۶۰.
۱۳. قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵.
۱۴. آیین‌نامه داسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت، مصوب ۱۳۶۹ با اصلاحات بعدی.
۱۵. قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، مصوب ۱۳۷۳ با اصلاحات بعدی.
۱۶. قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری، مصوب ۱۳۶۱ با اصلاحات بعدی.
۱۷. قانون نحوه اجرای اصل چهل‌ونهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۱۸. مجموعه نظریات شورای نگهبان (تفسیری و مشورتی درخصوص اصول قانون اساسی به انضمام استفساریه‌ها و تذکرات ۱۳۵۹-۱۳۸۰)، مرکز تحقیقات شورای نگهبان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۰۹۵

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: با نمایندگان مردم در مجلس نهم ۹. جایگاه قوه قضائیه در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران

نام دفتر: مطالعات حقوقی (گروه حقوق عمومی)
تهیه و تدوین: سیدمحمدادی راجی
ناظر علمی: حجت‌الاسلام والمسلمین جلیل محبی
متقاضی: معاونت پژوهشی
ویراستار تخصصی: سیدحجت‌الله علم‌الهدی
سر ویراستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی:

۱. قوه قضائیه
۲. وظایف
۳. ساختار
۴. جایگاه

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۱۱/۳